

از جانب یک ستاد پیغام رسید ماشین براندازی شان باز چپید!

محمدعلی کمالی مقدم - شاعر

"تا کور شود هر آنکه نتواند دید" با سیل روان نامزدها بد جور



فرق می‌کنه کی خلبان باشه

بهزاد توفیق فر
طنزپرداز

مسافر کوچولو به روباه گفت: من خلبانی را دیدم که از بس روی صندلی هواپیما نشسته بود زخم بستر گرفته بود و از پشت شیشه‌های دودی هواپیما مردم را نگاه می‌کرد. روباه با تعجب پرسید: آیا داشت پرواز می‌کرد؟ مسافر کوچولو گفت: معلومه که نه! چون بنزین نداشت. روباه ایستاد و با تعجب بیشتر پرسید: چرا بنزین نداشت؟ یعنی پول نداشت تا بنزین بخرد؟ مسافر کوچولو که از خنگ بودن روباه کلافه شده بود با بی میلی جواب داد: نه نداشت، یعنی چرا داشت. یعنی... ببین! این خلبانی که من دیدم خودش هم صبح جمعه فهمیده بود که بنزین ندارد. آنقدر پول زیادی هم داشت که به برادرش مجوز ده تا صرافی داده بود تا این پولها را یک جوری جابه‌جا کند اما با این حال هیچ فردگاهی به هواپیمای او بنزین نمی‌داد و او از پشت شیشه دودی هواپیما... روباه حرف مسافر کوچولو را قطع کرد و گفت: اینجایش را می‌دانم. حتماً او برجام را امضا نکرده بود برای همین به هواپیمایش بنزین نمی‌دادند. مسافر کوچولو پوف بلندی کرد و با لبخندی معنی دار گفت: نه فقط برجام را امضا کرده بود بلکه بواشکی FATF را هم اجرا کرده بود و اهلی ۲۰۳۰ هم شده بود. روباه به افق خیره شد و با صدایی خمار و پراز احساس پرسید: اهلی شدن یعنی چه؟ مسافر کوچولو هم همان ژست را گرفت و گفت: اهلی شدن یعنی سنند ۲۰۳۰ را در مدارس اجرا کردن، یعنی ادغام کردن مؤسسات مالی نهادهای نظامی در بانک‌های دولتی، اهلی شدن یعنی دادن آمار صرافی‌ها و راه‌های دوزدن تحریم‌ها به آن طرفی‌ها، اهلی شدن یعنی... روباه این بار چیزی نگفت. مسافر کوچولو که این طرف را نگاه کرد دید روباه نیست و آن دورها یک روباه با یک دم دارد فرار می‌کند. فریاد زد: کجا فرار می‌کنی؟ من تازه می‌خواستم بالمره باهاش دوست بشی!

نازنین اسماعیل‌زاده
طراح

میز خدمت

فرشته پناهی
شاعر

نشسته‌ام سر این خوان خدا قبول کند
ولو به کسوت مهمان، خدا قبول کند

به قصد خدمت وافر گرفته‌ام میزی
به چنگ و گاه به دندان خدا قبول کند

برای اینکه گره واکنم ز خلق خدا
که هست حق هر انسان خدا قبول کند...

... در این بساط گران جانی بقیه شده
گره گشایی ام ارزان! خدا قبول کند

ز نقش قهر که خورده به تخت پیشانیم
ببین علامت ایمان، خدا قبول کند

زدم سه چار توثیت حسابی و مشتی
زمان و هین به قرآن، خدا قبول کند

به وقت فتنه شتروار زندگی کردم
من و سکوت و فراخوان، خدا قبول کند

و گاه خارج گودم بنا به مصلحتی
گهی میانه میدان خدا قبول کند

به قصد قربت و ابقاء خدمت می‌انگ
زدم به جمع رقیبان خدا قبول کند

یکی به نعل و یکی هم به روی میخ زدم
برای جذب فراوان خدا قبول کند

نهاده‌ایم سر کار کل ملت را
به ویژه مجمع خویشان، خدا قبول کند

من از زمان پدر جد خویش مسئولم
خادم تا خط پایان! خدا قبول کند

به این دلیل که یک‌دفعه گولمان نزنند
شدم معلم شیطان خدا قبول کند

ما کوفتگان بر سر آن آهن سردیم
در کنج قفس هیچ نکریم بجز باد

در مدرسه شیرین شده هنر عشق
مجنون شده اند از قیلش لیلی و فرهاد

تا اینکه شود خانه علم و هنر و بحث
از کثرت این مدرسه‌ها فاخر و آباد

در دوره ما مدرسه شد پشت هم ایجاد
از دولتی و هیأتی و شاهد و سمپاد

آب در هاون

فریبار رئیس
شاعر

پر شد همه اوقات خوش مدرسه با درس
در مدرسه حرفه‌ای و ورزشی و شاد

کافی ست محصل بکند نیت تحصیل
سنگش بشود در دی و در بهمن و خرداد

با کار کپی از همه جا ایده گرفتیم
فنلاند و سوئیس و سوئد و فرانسه و چاد

دیالوگ حدسی

مایک پنس: اون کیه اون ته وایساده؟
دختر: آخی، بایدنه صف رواشتباهی اومده.

سمیه قربانی

خانم: اوه اوه! ستاد بایدن رو نگاه چقدر شلوغ شده.
مایک پنس: چیزی نیست! دوباره یازمین خورده یا داره با آدم فضایی‌ها سلام و علیک می‌کنه.

رامین زارعی

مایک پنس: عه ستاد کناری داره کباب بنایی می‌ده؟
خانم: آره فک کنم من رفتم اونور چیه آخه این همبرگرا!

عباس داوری

مایک پنس: مارو ول کردن رفتن اربعین؟
خانم: آره اون موکب داره فلافل می‌ده.

محمد کوره‌پز



مایک پنس معاون سابق رئیس جمهوری آمریکا (ترامپ) و یکی از نامزدهای حزب جمهوری خواه برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا، در جریان یک کارزار انتخاباتی جمهوری خواهان در ایالت آیووا در حال آماده کردن همبرگر برای حاضران است.